



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۱۲/۳۱

نجیب روشن

این آخرین مقاله سال ۲۰۲۰ ام را،

به روان زنده یاد «حامد کامبخش»، رفیق و یار دیروزم و هزاران عضو قربان شده در آن بُر هه، صمیمانه اهداء می کنم!

## «آزادی بیان»،

## سلاحی که با آن، خود را هدف قرار دادیم!

\*\*\*\*\*

«آزادی بیان» به مثابه یک ابزار سیاسی، قبل از بکارگیری، به شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هر جامعه، بغرض استفاده درست از آن نیازمند است و نمی توان آنرا چون «کالا» وارد و از بیرونی ها تقلید کرد. باید چون نوزادی در جامعه تولد شود، رشد نماید و به ثمر برسد!..

«آزادی بیان» که یکی از اجزای مجموعه به نام «دموکراسی» ست، در حقیقت حاصل کم از کم سه صد سال تجربه در جوامع دارای نظام های دموکراتیک در جهان است، آنچه متأسفانه در گرماگرم حوادث افغانستان بعد از سرکوب امارت «طالبان»، به یک متاع صادراتی تبدیل و چنان سخاوتمندانه و ارزان در «بازار سیاست» افغانستان عرضه شد، که علاوه از شعله ور شدن بیشتر جنگ، جامعه را بسوی بی ثباتی مطلق و بحران سراسری سوق داد!

«آزادی بیان» در افغانستان، به همان سلاحی می ماند، که علاوه از اینکه طرز استعمالش را مردم نمی دانستند و هنوز نمی دانند، کارائی اش نیز باعث شد، تا مردم خود را هدف قرار دهند و دستاورد هایش، برخلاف منافع ملی ما باشند. این چه نوع «آزادی بیان» است، که به عوض ختم نفوذ و قدرت مافیای درون نظام، فعالان مدنی و خبرنگارانش یا کشته و یا از وطن فراری می شوند؟!

این پدیده قبل از وقت (آزادی بیان)، که جا دارد آنرا «آزادی عقده و بیان» در کشور نام داد و مانند دوران های «دهه دموکراسی» زمان شاه و اعمار «سوسیالیزم» دوران «خلقى» ها در دهه هفتاد، با تعجیل و احساسات همراه بود، با تأسف یکبار دیگر تکرار شد، اما این بار خونین تر از قبل!

آنچه در این رابطه نباید ناگفته ماند آنستکه، مردم افغانستان از این ابزار، طوری درس و انتباه گرفته اند، که گویا انتها و «حد و مرز»ی برای بیانات شان وجود ندارد و کاملاً آزاد اند، هر وقت، هر جا، هر کسی و هر چیزی را انتقاد کنند و مورد تعقیب و پیگرد پولیس و قانون قرار نگیرند، آنچه در هیچ کشور دموکراتیک در جهان چنین نیست! حالا بیائید ببینیم، مشکل ما در مقطع حاضر در این رابطه چیست؟

از آنجائیکه در «سیاست»، مسأله اتحاد ها، ائتلاف ها و در کل آرایش و بسیج نیروها، در هر مرحله فرق می کنند، لازم است حکومت موجود، با همه کمبود و کاستی هایش، با احزاب مخالف (اپوزیسیون)، بر اساس اولویت ها و شرایط ملی و بین المللی، سیاست واحد و مشترکی را در برابر دشمنان افغانستان در پیش گیرند. فراموش نکنیم که، در وضع جنگی قرار داریم و «در جنگ، حلوا تقسیم نمی شود»!

بلی، حکومت موجود افغانستان، در برابر یک جنگ تحمیلی از بیرون قرار دارد و لازم است احزاب و گروه های مخالف حکومت، در دو استقامت، دو سیاست روشن داشته باشند:

در داخل و در قبال مبارزه با شر و فساد اداری، بالای حکومت فشار وارد و آنرا بسوی آوردن اصلاحات ترغیب کند، اما در بیرون و در رابطه با دشمنان خارجی، که کل نظام را تهدید می کنند، باید در یک جایگاه واحد و متحدی قرار بگیرند. این نیاز روز و صدای وجدان فرد فرد افغانان است! ولی آیا در عمل چنین است؟

قبل از اینکه مثال های زنده در موارد بالا بدهم و به ضرورت یک اتحاد ملی در برابر دشمنان خارجی تأکید مجدد کنم، با یک مثالی از جنگ جهانی دوم، توجه عزیزان را جلب می کنم:

«متفقین» در جنگ دوم جهانی (ایالات متحده امریکا، شوروی، فرانسه و انگلستان)، بدون توجه به اختلافات سیاسی و حتی ایدیولوژیک، در برابر «فاشیسم هیتلری» ایستادند. در کنفرانس ها از جمله کنفرانس یالتا و تهران، رهبران

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

چهار کشور متحد علیه فاشیزم (روزولت، استالین، چرچیل و شارل دوگول) باهم دیدار کردند و فیصله های مشترکی را برای مهار ساختن نیروهای هیتلری بعمل آوردند و در نهایت پیروز در جنگ شدند!

ببینید دوستان، که چگونه «کمونیست» های شوروی و «امپریالیست» های انگلیسی، فرانسوی و امریکائی، برای یک هدف مشترک، در برابر دشمن مشترک، اختلافات ایدئولوژیک شانرا کنار گذاشتند. آیا «ما» افغانان، با همهء اختلافات مان، نباید از چنان دروس بزرگ در تاریخ بیاموزیم؟!..

حالا سوال اینجاست که:

چرا ما افغانان، که در برابر یک جنگ تمام عیار از جانب خارجی ها، از طریق قلمروهای پاکستان و ایران قرار داریم، با همهء تنوعات فکری و سلیق سیاسی، با حکومت فعلی، نه تنها زبان مشترک پیدا نمی کنیم، بلکه شعارهای فصل کننده غیر ضروری چون قومی و زبانی را نیز بلند می کنیم؟!..

آیا لازم نیست در برابر نظریات «امارتی» طالبان، که در صورت پیروزی بر هیچ طرف مخالف در درون نظام رحم نخواهند کرد، ولو مؤقتی و تاکتیکی باشد، اتحادی را بوجود آوریم؟!.. فکر نمی کنم کسی مخالفت کند!

چند مثال زنده می دهم:

برخی فعالان مدنی و خبرنگاران آزاد ما، بگونهء مثال: زنده یاد «یما سیاوش» و بانو «فرشته کوهستانی» و امثال آنان، از کسانی بودند که متأسفانه در شرایطی شعارهای «من افغان نیستم!» را دادند و مخالفت علنی شانرا علیه «ارگ» نشان دادند، که کشور و مردم ما در برابر یک جنگ فرسایشی از بیرون قرار دارد ...

مگر نتایج پایانی آن شعارهای احساساتی و غیر ضروری در مقطع حاضر، چه بود؟!.. با تأسف قتل نامردانه و حذف آنان از جانب جنگ طلبان که بدون شک «طالبان» تحت حمایت پاکستان است!..

در فرجام، امیدوارم عقل سلیم، جای احساسات و نادانی های دیروز را بگیرد و زمینه برای یک اتحاد نیرومند در برابر جنگ طلبان بوجود آید، از اشتباهات و ضایعات گذشته درس عبرت گرفته شود و از تکرار آن امتناع صورت گیرد!..

به آرزوی که سال ۲۰۲۱،

سال بدون گسترش «کرونا» و جنگ باشد!